

تماشاخانه

افسانه فجر

مجید موثقی - نویسنده و کارگردان

● سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به پایان رسید! حجم نمایش‌های اجراشده و تعداد سالن‌های این دوره چشمگیر بود و همین، یکی از عوامل جذب مخاطب در این رویداد هنری شد! امسال «پوستر جشنواره تئاتر فجر» کمی بحث‌برانگیز شد و عده‌ای آن را مضحک خواندند، اما با کمی تأمل و دقت بیشتر می‌توان حال‌روز دنیای مجازی و مضحک‌شدن روابط اجتماعی انسان‌ها را در این پوستر به‌خوبی کشف کرد! جهانی که آدم‌ها با شکلک‌های رنگارنگ و دلفریب در فضاهای مجازی در حال رقابت با همان بازی‌کردن با یکدیگر هستند! هنر، بازتاب زندگی جوامع مختلف است و امروزه اینترنت با وعده‌های غدایی مانند: «اینستاگرام، فیس‌بوک، اسکایپ، واتساپ و تلگرام» بر سر «سفره زندگی با همان تئاتر» نشسته است و در اجرای نمایش‌ها و پرفورمنس‌های روز جهان نیز بی‌تأثیر نیست. امسال یک پرفورمنس خوب و مدرن در همین راستا در جشنواره به چشم خورد! اجرائی به نام «منظر مجرم- Guilty Landscapes» به سرپرستی و کارگردانی «دریس ورهوف- Dries Verhoeven» از هلند که تنها برای یک پینده در نظر گرفته شده بود. اجرای این کار تنها هفت‌دقیقه است و بیننده در همین زمان کوتاه با اکران بزرگی از ویرانه‌های شهری در سوره مواجه می‌شود. هم‌زمان آوارهای در میان این خرابه‌ها با ورود تماشاچی به صورت آتلان وارد شده و با او ارتباط برقرار می‌کند؛ هر دو با یک زبان بدنی به وسیله دوربین‌ها در برابر هم قرار می‌گیرند و در یک فضای مجازی با استفاده از «وب‌کم» صدا و تصویر یکدیگر را به‌خوبی می‌شنوند و می‌بینند و مفهوم «بنی‌آدم اعضای یکدیگرند» را با هم می‌سرایند! درواقع فضای مجازی مانند کاتالیزوری «باعث نزدیکی با شکل‌گیری احساس» بین یک بیننده (در فضای امن) و یک جنگ‌زده بر صحنه نمایش می‌شود.

در این دوره نمایش‌های ایرانی، به‌ویژه کارهای شهرستان‌ها از طراوت و پویایی خوبی برخوردار بودند! نمایش‌هایی مانند «یک بعلاوه دو» از شهرگرد به کارگردانی «امیر بهار اکبرپور» و نیز پرفورمنسی به نام «جادویت می‌کنم» به کارگردانی «احسان همت» که کار مشترکی از ایران و بلژیک بود، از اجراهای خاطرانگیز این دوره از جشنواره شمرده می‌شوند! «حسن معجونی» نیز با اجرایی گیلکی از «خواستگاری و خرس چخوف» قدرت ریسک‌پذیری بالایی در کارگردانی از خود نشان داد! البته بازی‌های خوب هنرپیشه‌های نمایش در «انتقال طنز چخوفی» اثر کیم پیرنگ بود و مشخص نیست که لجه‌ی گیلکی چه کمکی به اثر کرده است! «رضا ثروتی» نیز با «فهرست مردگان» در ۲۰دقیقه اول نمایش خوب ظاهر شد که تدریجا با زیادشدن پیرایه از رویدادهای نمایش و رنگار اطلاعات، نمایش در سراسیمگی قرار می‌گیرد! دراماتورژی این کار ناتوان در درگیرکردن مخاطب با هسته مرکزی ماجراست؛ قوام‌یافتن این اجرا را دیده‌شدن برخی از حد کارگردانی نمایش برمی‌گردد. عدم هماهنگی و اتصال عناصر شنیداری و دیداری در اثبات فرضیه «صداها به کجا می‌روند» نیز در این نمایش سردرگم مانند است.

«مفیستو» به کارگردانی «مسعود دلخواه» نیز در بخش بین‌الملل جشنواره با همراهی بازیگرانی نوبا و بی‌ادعا، یکی از کارهای درخشان جشنواره بود که موسیقی خوب و بازی یکدست و درخشان «مرتضی اسماعیل‌کاشی» یکی از وزنه‌های سنگین در موفقیت این کار به‌شمار می‌آید!

امسال بخش بین‌الملل جشنواره با دعوت از گروه شهپر «ریمینی پروتکل- Rimini Protokoll» و اجرای نمایش «ریموت- تهران» سروصدای زیادی به راه انداخت؛ نمایشی که از «پارک شفق تهران» شروع شده و با پیاده‌روی و حتی متروسواری همراه است، شرکت‌کنندگان با یک «هدفون» مسیره‌ا و موقعیت‌های فکرسده را کشف می‌کنند. نمایش «ریموت» تهران را بعنوان یک تئاتر فکری در مردم شهر را بعنوان بازیگران با به‌خوبی مورد هدف قرار می‌دهد! این «کمپانی تئاتر آلمانی» یکی از «چریان‌های نو و متفاوت تئاتر روز دنیا» به‌شمار می‌آید که اجراهای این گروه، هم‌زمان در جاهای مختلف دنیا بدون حضور فیزیکی بازیگران در شرایط محیطی متفاوت، قابلیت نصب و اجراشدن دارد.

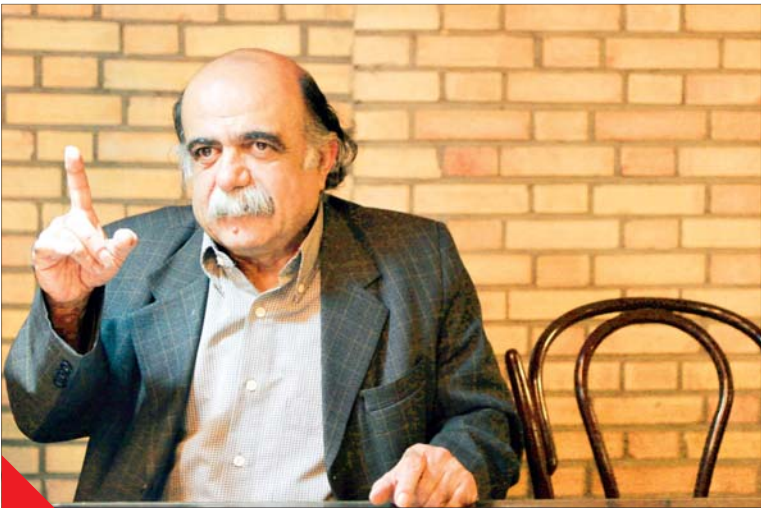
مسائل و دردهای اجتماعی و گاه سیاسی برای این گروه در اولویت قرار دارند. این گروه نمایشی در سال ۲۰۰۰ از سوی «کیم هانوک kim Haug استغان کانگی Stefan Kaegi و دانیل وترل Daniel Wtzel» شکل می‌گیرد. حذف بازیگر و استفاده بیشتر از صوت، نریشن و تحریک تخیل مخاطب از اهداف این گروه است که خروجی محصولات آن بیشتر به یک تئاتر هندساردهنده و آگاهی‌رسان شباهت دارد که در مکان‌های نامتعارف شکل و جان می‌گیرد. «ریمینی پروتکل» تماشاچیان را روی صندلی‌ها، آرام و بی‌تفاوت نمی‌خواهد. اجراهای آنها از خلاقیت، تعلیق و پویایی خوبی برخوردار است و تماشاچیان همیشه یکی از عناصر اجرائی نمایش هستند. گاه روند اجرا غیرقابل‌پیش‌بینی و از تعلیق خوبی برخوردار می‌شود و همین عوامل ذکرشده در موفقیت و محبوبیت این گروه نقش مؤثری داشته‌اند.

ادامه در صفحه ۱۰

گفت‌وگو

گفت‌وگو با میرجلال الدین کزازی درباره شرایط کنونی آموزش عالی و جایگاه استادان و اعضای هیئت علمی

استادان بازنشسته، سرمایه‌های هر دانشگاه هستند



میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

میر جعفر کزازی

چرا سه رده در استادی پدید آمده است: استادیار، دانشیار، استاد؟ زیرا هم می‌خواسته‌اند از توان افزون‌تر جوانان بهره ببرند، هم از دانش و خرد و مایه‌وری و آزمودگی استادانی که دیری در دانشگاه درس گفته‌اند. استادیار باید دیری بیاید و بیوید، مایه بیندوزد تا به پایه دانشیاری برسد. رسیدن از دانشیاری به استادی راهی است بسیار تکتک و دشوارتر. بسیاری از استادیاران می‌توانند دانشیار بشوند؛ اما اندکی از دانشیاران به استادی می‌رسند. این استادان هستند که سرمایه‌ها و گنجینه‌های هر دانشگاه شمرده می‌شوند. اگر شما آنان را به بهانه‌های گوناگون برانید و به‌جای یک استاد، چند نآآمده جوان را بکارمید، هم بر دانشگاه و هم بر دانشجویان ستم روا داشته‌اید. سخن در این نیست که جوانان را نمی‌باید در دانشگاه به‌کار گرفت، این کار پسندیده است. نیرویی جوان تب‌وتاب و تکاپویی افزون‌تر را به دانشگاه می‌آورد. سخن در این است که به‌کارگرفتن جوانان نمی‌تواند همراه باشد با بیکارگی استادانی که سرمایه‌های دانشگاه هستند. اگر استاد حتی درس نگوید، هفته‌ای چند ساعت در دانشگاه باشد، هم استادان جوان‌تر می‌توانند از دانش، مایه، خرد و آزمودگی او بهره ببرند، هم دانشجویان. نکته شگرف این است که این استادان نه‌تنها نمی‌توانند همکار دانشگاه باشند، بدان‌گونه که من از دانشجویان شنیده‌ام، هرگونه پیوند با دانشگاه از آنان دریغ داشته شده است؛ حتی نمی‌توانند راهنمایان پایان‌نامه دانشجویان باشند. کمترین زبان این کار آن است که دانشگاه را در چگونگی آموزش تا مرز دبیرستان، حتی فروتر از آن، فرود خواهد آورد.

کاشما چه بدیلی برای چنین قوانینی پیشنهاد می‌کنید؟ بازگشت به قوانین گذشته بهتر است یا قوانین جدیدی که آنها را اصلاح کند؟

من نمی‌توانم از قانون یا روشی نو سخن بگویم؛ زیرا به همان‌سان که پیش‌تر گفته شد، هنجارهای دانشگاهی یا قانون‌هایی که نهاده شده است، دستاورد صدها سال آزمون و بررسی‌دین و اندیشیدن است. این قانون‌ها و هنجارها را ما از دانشگاه‌های اروپایی ستانده‌ایم. دانشگاه‌های نام‌بردار اروپا چندین سده پیشینه دارند. به این پیشنه خود سخت نازانند. پیداست که اگر قانونی برمی‌نهند، شیوه و هنجاری را به‌کار می‌گیرند، دستاورد سده‌ها تلاش است در به‌کرد کار دانشگاه، ما این سامانه دانشگاهی را هم از دیگران ستانده‌ایم. دانشگاه‌ها ما در گذشته شیوه و هنجار و سامانی دیگرسان داشته‌اند. در کار خود هم بسیار کامکار بوده‌اند. یکی از کهن‌ترین و در همان هنگام پیشرفته‌ترین و به‌آین‌ترین و کارآمدترین دانشگاه‌های جهان دانشگاه گندی‌شاپور بوده است که در ایران ساسانی پدید آمد. من نمی‌خواهم درباره این دانشگاه سخن بگویم؛ اما به‌راستی نمونه‌ای است برترین از دانشگاه، از ساختار دانشگاهی، از هنجارها و کردارهایی که در دانشگاه می‌باید به کار گرفت؛ اما دانشگاه‌های امروز ما بر پایه دانشگاه‌های فرنگستان پدید آمده است. من اگر بخوام بیش از این به این زمینه بپردازم، سخن به درازا خواهد کشید. اگر شما می‌انگازید که می‌باید این زمینه را بیش کاوید و بررسی‌د، آن را باید به گفت‌وگویی درازدامان در روزگاری دیگر وانهمیم.

با این همه، بهره‌گیری هنرمند از طرح‌ها و رنگ‌ها (اکریلیک)، تا حد زیادی به سطوح هنرمندانه به دلایل چندوجهی-بودن عناصری از قبیل: اسب، پرند، جلوه رنگ، آب، آشنی، مینیاتوری و دایره رنگی چهره‌هایی از سیاوش و حاجی‌فیروز را گاه در کنار هم و گاه به دور از هم و از همه جدی‌تر سیاهی صورت و جوانه‌زدن گیاهی (از خون سیاوش) در دل این تارکی‌ها، خود فضایی را به میدان می‌آورد که مقوله‌هایی چون زایشش و مرگ، در ادامه یکدیگر می‌تواند نوعی نوآوری از چشم‌انداز سنت به سمت فضاهای مدرن و امروزی باشد. البته محمدعلی سجادی پیش از این در زمینه جایگاه «سیاوش» در شاهنامه چند نمایشگاه انفرادی دیگر را به تماشا گذاشته است. شاید بتوان گفت سجادی با روش‌هایی از پژوهش و گزارش، همواره در کار نقاشی، سعی کرده حرف‌های تازه‌تری را واگویی کند و مخاطبان آثارش را به سمت دآوری و شناخت به زاویه‌های جدی‌تر نزدیک کند. بی‌شک در تابلوهای سجادی می‌توان بخش اساسی را در متن و بخش‌های جانبی را در حاشیه و در پیوند درونی با یکدیگر، دید. فضاهای نمادین و گاه عاطفی و رازگونه از جمله نکاتی است که در نقاشی‌های هنرمند، محل رصدکردن و اندیشه‌ورزی است. گفتنی است به‌کارگیری واژه «سیایش» در ابتدا ممکن است یک بازی زبانی و فضا ذهن و زبان هنرمند، به حساب بیاید، اما این فضاهای حسی سعی دارد با جنبه‌های نمادین، دو قصه «سیایش» و «سیاوش» را در هدایت هم، به گونه‌ای در ادامه هم به مخاطب یادآور شود.

از یک سو خاموشی در زمستان و از سویی دیگر زایش در بهار که بی‌شک در فرهنگ باستانی، خود جایگاه آیینی فراوانی را بازسازی می‌کند. سخن آخر اینکه محمدعلی سجادی در این تجربه از عناصری از سینما، شعر و داستان‌پردازی هم در بیان و نشان‌دادن یافته‌هایش سود برده است. باید به انتظار تجربه‌های دیگری از وی در آینده دنیای طراحی و رنگ بود. سجادی هنر را در دوباره‌دین و به‌کارگیری فرصت‌های پژوهشی می‌بیند.

نگاه

مروری بر چشم‌انداز نقش‌مایه‌های محمدعلی سجادی (گالری سایه، بهمن ۱۳۹۶)

«از سیاوش تا سیایش»



محمود معتقدی

● اگر بپذیریم که دامنه تعریف پدیدارشناسی از «اسطوره»، گستره بزرگی با خود دارد و چشم‌انداز ماندگارش، همانا جایگاه تخیل و منظر جست‌وجو، در فضاهای نمادین، تا پیکره خبر و داستان را در حوزه روایت‌های خرد و کلان، به انسان و طبیعت پیوند می‌زند، در چنین گذرگاهی رمزآمیزی و حادثه‌پذیری در قالب کهن‌الگوها، سرشت و سرنوشت آدمی را به شیوه‌های خاص ترسیم می‌کند و امروزه در پی بسیاری از دستاوردهای فرهنگی و هنری می‌توان به احیا و بازاندیشی این پدیده‌ها دست یازید و به عبارتی به نوعی به اسطوره‌سازی پرداخت.

چشم‌انداز هنر و ادبیات امروز، خود فرصتی است برای شناخت باورهای آیینی و اسطوره‌ای که می‌توان از این رهگذر، از فضاهای هستی‌شناسی تا نگرش‌های زیبایی‌شناسی، به بیان بگنagi و درگرددیسی آن پرداخت و اما محمدعلی سجادی، سینماگر، قصه‌نویس و شاعر، این‌بار در چشم‌انداز نوعی نقش‌آفرینی با دست‌مایه‌هایی از طرح و رنگ با مجموعه نقاشی‌هایی با عنوان «سیایش» چیزی همانند «سیاوش»، با تلفیقی از این‌ن دو منظر، با تجربه‌ای تازه در پیوند با نوعی چکش‌کاری ذهنی و صید تراشه‌هایی از خلاقیت، سعی در بازاندیشی نسبت به داستان ترازیک «سوک سیاوش» از یک سو و بازتاب دنیای حاجی‌فیروز از سویی دیگر دارد، که اولی می‌تواند جایگاه مرگ‌اندیشی و خاموشی و دیگری منظره‌ای از گشاده‌رویی و شادمانی‌های در عرصه نقش‌آفرینی، دنیای مخاطب را به این سمت و سو نزدیک و نزدیک‌تر می‌کند. هنرمند با بهره‌گیری از دستاوردهای اسطوره‌های باستانی (همچون دموزی سومری و تموز بابلی) و همچنین جایگاه «سوک سیاوش» و پیداری و نمایش خون وی در عصر تاریخی، در چشم‌انداز شاهنامه فردوسی، سعی کرده دنیای شهادت و نودشن نواز و بشارت و پیششاری حاجی‌فیروز در ستانه سوز را با بار معنایی تازه‌ای در حضور هنر تجسمی به تجربه بنشیند.



بی‌گمان، در این تجربه یک پریشش اساسی نیز مطرح است که وصل‌کردن این‌ن دو پدیده از چشم‌انداز کاربرد اسطوره، چقدر و چگونه در یک فضای هنری مانند نقاشی امکان‌پذیر است و محل داوری است؟

و رنگ‌ها (اکریلیک)، تا حد زیادی به سطوح هنرمندانه به دلایل چندوجهی-بودن عناصری از قبیل: اسب، پرند، جلوه رنگ، آب، آشنی، مینیاتوری و دایره رنگی چهره‌هایی از سیاوش و حاجی‌فیروز را گاه در کنار هم و گاه به دور از هم و از همه جدی‌تر سیاهی صورت و جوانه‌زدن گیاهی (از خون سیاوش) در دل این تارکی‌ها، خود فضایی را به میدان می‌آورد که مقوله‌هایی چون زایشش و مرگ، در ادامه یکدیگر می‌تواند نوعی نوآوری از چشم‌انداز سنت به سمت فضاهای مدرن و امروزی باشد. البته محمدعلی سجادی پیش از این در زمینه جایگاه «سیاوش» در شاهنامه چند نمایشگاه انفرادی دیگر را به تماشا گذاشته است. شاید بتوان گفت سجادی با روش‌هایی از پژوهش و گزارش، همواره در کار نقاشی، سعی کرده حرف‌های تازه‌تری را واگویی کند و مخاطبان آثارش را به سمت دآوری و شناخت به زاویه‌های جدی‌تر نزدیک کند. بی‌شک در تابلوهای سجادی می‌توان بخش اساسی را در متن و بخش‌های جانبی را در حاشیه و در پیوند درونی با یکدیگر، دید. فضاهای نمادین و گاه عاطفی و رازگونه از جمله نکاتی است که در نقاشی‌های هنرمند، محل رصدکردن و اندیشه‌ورزی است. گفتنی است به‌کارگیری واژه «سیایش» در ابتدا ممکن است یک بازی زبانی و فضا ذهن و زبان هنرمند، به حساب بیاید، اما این فضاهای حسی سعی دارد با جنبه‌های نمادین، دو قصه «سیایش» و «سیاوش» را در هدایت هم، به گونه‌ای در ادامه هم به مخاطب یادآور شود.

از یک سو خاموشی در زمستان و از سویی دیگر زایش در بهار که بی‌شک در فرهنگ باستانی، خود جایگاه آیینی فراوانی را بازسازی می‌کند. سخن آخر اینکه محمدعلی سجادی در این تجربه از عناصری از سینما، شعر و داستان‌پردازی هم در بیان و نشان‌دادن یافته‌هایش سود برده است. باید به انتظار تجربه‌های دیگری از وی در آینده دنیای طراحی و رنگ بود. سجادی هنر را در دوباره‌دین و به‌کارگیری فرصت‌های پژوهشی می‌بیند.

این روزها آثار تازه‌ای به صحنه می‌روند

بنگاه تئاترال علی نصیریان در شهرزاد

امین زندگانی و میرطاهر مظلومی و نیز بازی مجید غفاری، سامان تیرانداز و تعداد دیگری از هنرمندان و هنرجویان تئاتر اجرا می‌شود. مدیر اجرایی: محمد وفاپی، طراح صحنه: رضا مهدی‌زاده، طراح لباس: صدف باستانی، ترنج، آهنگ‌پرداز: علی‌المعی، خواننده: محمد حشمتی، دستیاران کارگردان: مجید غفاری و مهری آسایش و منشی صحنه: اکرم حاج‌حسینی از عوامل دیگر این اجرا هستند. بنگاه تئاترال تا پایان اسفندماه هر روز رأس ساعت ۲۰:۳۰ در سالن شماره یک پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه خواهد رفت.

«الیور توئیست» با‌دو ناسی»

اولین اجرا از دور جدید اجراهای نمایش موزیکال «الیور توئیست» شب گذشته در تالار وحدت روی صحنه رفت. اجرای جدید نمایش موزیکال «الیور توئیست» در دو سانس با حضور مهناز افشار و ستاره پسپانی در نقش‌های ناسی روی صحنه می‌رود. پیرو اخبار قبلی، ستاره پسپانی قرار است نقش ناسی را در یکی از سانس‌های ویژه ساعت ۱۵ یا ۲۱ بازی کند. مهناز افشار، بازیگر نقش ناسی، نیز همچنان در سانس‌های ساعت ۱۸ اجراهای بهمن واسفند این نمایش حضور خواهد داشت. مهناز افشار در سانس ساعت ۲۱ اولین‌بار به تماشای نمایش «الیور توئیست» و بازی ستاره پسپانی نشست. حسین پارسایی نمایش موزیکال «الیور توئیست» را بر اساس نسخه سینمایی آن با همراهی گروهی از هنرمندان حوزه موسیقی و تئاتر در تالار وحدت به صحنه برده است. نمایش موزیکال «الیور توئیست» به تهیه‌کنندگی مؤسسه حریر هنر شرق بر اساس رمان چارلز دیکنز تولید شده است.

تخفیف دانشجویی برای میر مهنا

دانشجویان تمامی رشته‌ها می‌توانند با ۵۰ درصد تخفیف به تماشای نمایش «میر مهنا» در تماشاخانه سرو بنشینند. دانشجویان تمامی رشته‌ها می‌توانند با ارائه کارت دانشجویی به صورت حضوری بلیت‌های این نمایش را با ۵۰درصد تخفیف تهیه کنند. نمایش «میر مهنا» تولید گروه هنرهای نمایشی روایت فتح، از روز ۱۲ بهمن در تماشاخانه سرو به روی صحنه رفته است و در بخش مسابقه ایران سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر نیز اجرا شد. «میر مهنا» به نویسندگی و کارگردانی سیروس کهوری‌نژاد، هر روز به جز شنبه‌ها، ساعت ۱۹ در تالار سرو به روی صحنه می‌رود. حمید ابراهیمی، جلیل فرجاد، حدیثه تهرانی، محمدرضا پشنگیان، تیما پورحنا، پانته کیقبادی، داوود سلیمانی، امین مسیبی، آرش ابراهیم‌زاده، محمدرضا مومبیتی، حسین ابراهیمی، کسوفه حیدریان، ملیکا مشعل، سمیرامیس قاصدی، محمد کهوری‌نژاد، حسن رونده، مهلا دریایی، خاطره خوشدل، مهرورا زهدی، ثمن بیطرف، دنیا سلیمانی، سیده غلامی، امیرحسین شیرازیان، حسین حیدری،

گروه هنر: هادی مرزبان برای بار دوم بنگاه تئاترال را اجرا می‌کند و این‌بار الیور توئیست با دو بازیگر در نقش ناسی ادامه می‌یابد، همچنین دانشجویان می‌توانند با تخفیف ویژه میر مهنا را تماشا کنند، رونمایی از پوستر کار، ترنج، زلیخا انجام شد و اهالی هوا به تئاتر شهر آمد. اینها خبرهایی هستند که می‌شود در تئاتر پایتخت پیگیری کرد.

بنگاه‌تئاترال این‌بار در شهرزاد

نمایش «بنگاه تئاترال» نوشته علی نصیریان و به کارگردانی هادی مرزبان، بهمن واسفند در پردیس تئاتر شهرزاد به صحنه می‌رود. نمایش بنگاه تئاترال، به نویسندگی علی نصیریان و با کارگردانی هادی مرزبان، از پنجشنبه، ۱۹ بهمن ۹۶ در پردیس تئاتر شهرزاد اجرای خود را آغاز می‌کند. بنگاه تئاترال که تیر، مرداد و شهریور ۹۶ در تماشاخانه سنگلج با قریب به ۶۰ اجرا میزان حدود ۱۴ هزار مخاطب تئاتر بوده و با استقبال بی‌نظیر تماشاگران دوبار تمدید اجرا شد و به‌عنوان رکورددار فروش بی‌سابقه ۵۲ هزار تماشاخانه سنگلج از بدو تأسیس تاکنون شناخته می‌شود. این‌بار قرار است با ترکیبی نسبتاً متفاوت نسبت به اجراهای دوره پیشین خود و در فضای متفاوت به صحنه بی‌رود.

هادی مرزبان، کارگردان، درباره بازاجرای این اثر گفت: ما در این دوره اجرا با وفاداری به اصل متن، تغییراتی در ترکیب گروه بازیگران و نحوه اجرا اعمال کرده‌ایم و در نظر داریم اجرائی به‌مراتب جابگیرک و مطلوب‌تر نسبت به اجرای پیشین را برای مخاطب به اجرا درآوریم و نتیجه بسیار خوبی را برای این اجراهای جدید نیز پیش‌بینی می‌کنیم. من امیدوارم با اقبال همیشگی که مخاطب به نمایش‌های ایرانی و ملی ما دارد و به‌خصوص استقبال درخشان اخیر که مخاطب هنردوست و اهل فرهنگ نسبت به بنگاه تئاترال نشان داد، آغازگر جریان مداوم و مبارکی باشد که روزبه‌روز نیز به پیشرفت رفته و چشم‌انداز ما زنده‌نگاه‌داشتن ارتقای نمایش‌های آیینی و سنتی ایرانی متناسب با نیاز امروز و آینده تئاتر ایران است. این‌بار نیز ما سعی کردیم با انتخاب چهره‌های محبوب مردم و هنرمندان خیره و آشنا با عرصه نمایش‌های سنتی، نمایشی شریف را به عرصه گذاشته و با وجود مشکلات طاق‌تفرسای فراوان و موانع پیچیده که حتی تا لحظات آخر در مسیر بازاجرای بنگاه تئاترال بود، اثری درخور و شایسته را تقدیم مخاطب خودمان کنیم. در بنگاه تئاترال جدید، دو نفر از چهره‌های پیش‌کسوت عرصه بازیگری، یعنی مجید مظفری و رسول نجفیان به ما می‌پیوستند که آن را به فال نیک می‌گیرم و همین‌طور داوود داداشی که سال‌ها در میدان نمایش‌های سنتی و تخت‌حوضی، کارآموده و نام‌شاست. این نمایش با نقش‌آفرینی بازیگرانی مانند: مجید مظفری، رسول نجفیان، فرزانه کابلی، داوود فتحعلی‌بیگی و داوود داداشی، با هنرمندی